

نقش «منظر روزانه» در کیفیت فضاهای شهری

مورد پژوهی: مسیر خوابگاه کوی دختران در دانشگاه شهید بهشتی^۱

شایسته علی دوست^۲

سید حسن تقوایی^۲

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

سعید نوروزیان ملکی^۳

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان: ارزیابی بصری، معماری منظر، منظر روزانه، فضاهای شهری

چکیده

طبیعت و محیط به مثابه الگو و پناهگاهی برای انسان، همواره منبع الهام و به‌ویژه ارضاکنده حس زیبایی و پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای زندگی بوده است. «منظر روزانه» نیز، که دربردارنده بسیاری از ویژگی‌های محیط طبیعی است، در مقیاس‌های گوناگون زمینه‌ساز ارتباط انسان و درک شرایط و عناصر پیرامون او می‌شود. به‌علاوه، منظر روزانه و جنبه‌های متفاوت آن در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون بر تعاملات و فعالیت‌های روزمره مردم تأثیر می‌گذارد و در شکل‌گیری و شناخت بیشتر فرایندهای اجتماعی و مخصوصاً ساختارها و عناصر منظر نقش به‌شدت مهمی دارد. بر اساس مطالعات، با وجود اهمیت ویژگی مناظری که هم‌روزه در معرض فعالیت‌ها و روند زندگی مردم در فضاهای شهری است؛ اما، آن‌گونه که شایسته است، به اهمیت و نقش این مناظر روزانه در کیفیت‌بخشی و چگونگی شرایط زندگی شهری توجه نمی‌شود. میزان توجه متخصصان برنامه‌ریزی و طراحی، که در تعامل بیشتر با منظر و فضاهای باز و سبز شهری هستند، نیز مورد سؤال است. از آنجا که رابطه مطلوب و معنی‌دار میان مردم و محیط طبیعی

و منظر در فعالیت‌های روزانه زندگی همانند گذشته نیست، هدف در این پژوهش تبیین مفهوم و جنبه‌های اصلی منظر روزانه و تأثیر آن بر ادراک انسانی از دیدگاه معماری منظر است و برای ارزیابی بصری منظر روزانه، مورد پژوهی بخشی از مسیر تردد دانشجویان در محدوده خوابگاه کوی دختران دانشگاه شهید بهشتی تعیین شد. بر اساس روش ترکیبی کیفی و کمی، برای شناسایی خصوصیات منظر و به‌طور خاص سنجش ویژگی‌های منظر روزانه، با تکیه بر نظریه‌های متخصصان و صاحب‌نظران رشته، تصویر ذهنی ۴۰ نفر از دانشجویان دختر ساکن خوابگاه، مخاطبین اصلی منظر روزانه در این مکان، ارزیابی شد. بدین ترتیب، داده‌های حاصل از پیمایش میدانی جامعه مورد مطالعه نیز با استفاده از روش آنتروپی شانون تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش، ضمن مشخص کردن برخی جنبه‌های مهم منظر روزانه و تدقیق ویژگی‌های ادراک آن، نشان داد که برای دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی مؤلفه‌های کیفی خوانایی با ضریب اهمیت ۰/۲۵۱۰۵، پیچیدگی با ضریب اهمیت ۰/۲۵۰۲۵، پیوستگی با ضریب اهمیت ۰/۲۵۰۲۰، و رمز و راز با ضریب اهمیت ۰/۲۴۸۴۸ به ترتیب بیشترین اولویت را در میان افراد مورد آزمون دارند. بدیهی است که نتایج پژوهش، با تعیین اولویت‌های استفاده‌کنندگان در مؤلفه‌های منظر روزانه و در زمینه فعالیت‌های معماری، معماری منظر، و طراحی شهری، می‌تواند به توسعه و تعمیم اهداف کیفی و کمی محیطی در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری کمک کند.

۱. این مقاله برگرفته از پژوهشی است در درس مبانی نظری معماری منظر در دانشگاه شهید بهشتی، و نسخه ساده‌تری از آن در «دومین همایش ملی معماری منظر» در اردیبهشت ۱۳۹۵ در دانشگاه شهید بهشتی ارائه شده است.

2. h-taghvaei@sbu.ac.ir

۳. نویسنده مسئول

s_norouzian@sbu.ac.ir

۴. کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی؛

shayesteh.alidoost@gmail.com

پرسش‌های تحقیق:

۱. منظر روزانه چیست و در افکار طراحان و مردم یا همان مخاطبین طرح چه سهمی دارد؟

۲. نقش منظر روزانه بر کیفیت زندگی بشر و ارتباط روان‌شناختی او با محیط طبیعی و فیزیکی اطرافش چگونه است؟

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسئله

از گذشته تا کنون، چگونگی کیفیت فضاهای شهری یکی از مهم‌ترین جنبه‌های سرزندگی، نشاط، و آسایش مردم، برای زندگی و حضور در عرصهٔ فعالیت‌های فردی و اجتماعی و مورد توجه اندیشمندان و متخصصان بوده است. البته در این زمینه، شناسایی ویژگی‌های منظر و تأثیر آن در شرایط زندگی و فعالیت‌های روزمره انسان کمتر در فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای باز شهری مد نظر بوده است. در این مورد، پیچیده‌تر شدن زمینه‌های تعامل مردم با منظر، به‌ویژه در تطابق با مفاهیم در حال تغییر در زندگی شهری معاصر و در نظر گرفتن بسیاری از تنش‌های محیطی موجود در کنار مسائل بوم‌شناختی نیز مسئله را دوچندان می‌کند. بدین ترتیب، با وجود اهمیت «منظر روزانه»^۱ و نقش آن در پیام‌رسانی و انتقال بخش زیادی از مفاهیم و جنبه‌های ذهنی ادراک و اطلاعات بصری به مخاطب، اما در فرایند مدیریت ادراک منظر، جلوه‌های بصری، و توسعهٔ فضاهای شهری کمتر به این موضوع توجه شده است. آگاهی که مطالعهٔ دقیق ویژگی‌ها، ساختار، و چگونگی منظر روزانه در فضاهای شهری، به‌ویژه مطالعهٔ برخی نمونه‌های موجود در شهرهای سنتی ایران و برخی کشورهای دیگر می‌تواند دامنهٔ غنی از مفاهیم روان‌شناختی و ارزش‌های ادراک محیطی را برای فهم و تعدیل برخی مشکلات در چالش‌های زندگی شهری فراهم کند.

به طور مثال، در بافت کهن بعضی از شهرهای ایران، نظیر یزد، اصفهان، و کاشان، توجه به ویژگی‌های بومی و چگونگی ترکیب و تعامل عناصر محیط طبیعی و مصنوع در بافت شهر، کالدهای معماری، ساختار منظر، و جلوه‌های بصری آن‌ها مشهود است. در این مورد، ویژگی شایان توجه پیوند عمیقی است که در رابطهٔ فضاهای باز و بسته در کالبد شهر و در ترکیب عناصر کلی و جزئی محیط طبیعی مؤثر در جلوه‌های بصری ملاحظه می‌شود. چنین شرایطی در شهرسازی و معماری ایران، مخصوصاً آثار به جای مانده از گذشته مبین توجه به تلفیق ویژگی‌های کاربردی، محیطی، جنبه‌های زیبایی‌شناسی، و تأثیر سینرژیک و کلی‌نگری در جریان زندگی روزمره است. در واقع شرط لازم توجه به شرایط اقلیمی نامساعد زیستی، که در بخش بزرگی از کشور ایران بوده و هست، منتج به ایجاد خرداقلیم‌هایی متأثر از دانش ضمنی محیطی و بومی در سطوح کلان

طبیعی و مکان ساخته‌شده نقش مهمی را در ایجاد شرایط زیستی مناسب برای انسان دارد. منظر روزانه که واجد این خصوصیت است در مقیاس‌های گوناگون موجب ارتباط انسان و محیط اطراف او می‌گردد. نمود منظر روزانه با قرارگیری عناصر طبیعی چون آب، گیاه، نور، و زمین و عناصر مصنوع و محیط فعالیت‌های انسانی در کنار یکدیگر و در معرض ادراک انسان در جریان روزانه زندگی صورت می‌گیرد و در ایجاد مفهوم و معنای ذهنی در مخاطب به طور مؤثری دخیل هستند. در این مقاله به معرفی و تبیین مفهوم منظر روزانه و نقش آن در نزد طراحان، مردم، و مخاطبان فضاهای شهری در چارچوب برنامه‌ریزی و طراحی از دیدگاه معماری منظر پرداخته می‌شود. در این مورد بررسی منظر روزانه و عوامل مؤثر بر آن نشان‌دهنده مؤلفه‌هایی است که در آن انسان، محیط، و چگونگی ادراک محیطی و منظر نقش تعیین‌کننده دارند. همچنین مرور ادبیات موضوع مطابق با این عوامل می‌تواند پیش‌زمینه‌ای مناسب برای ورود به مبحث منظر روزانه و روان‌شناسی محیط را فراهم آورد.

۱.۲.۱. ادراک محیط و منظر

ادراک فرایندی پیچیده و منحصر به فرد است که در آن محیط، ناظر، و منظر با هم مرتبط هستند. در روند ادراک نیز انسان تفسیرکننده پدیده‌هایی است که به شناخت منظر کمک می‌کنند. در این مورد و به قولی ماهیت انسان به گونه‌ای است که هم مستعد تأثیرپذیری از تجربه‌های شخصی و عوامل ذهنی است و هم از عوامل عینی و محیطی متأثر می‌شود. همچنین با حضور فیزیکی در یک فضا و مکان خاص، انسان به یک رویه خاص و دائمی وابسته می‌شود. از یک سو، «مکان‌ها» بر اساس چنین ساختاری ساخته و شکل می‌گیرند و معانی این مکان‌ها باعث ایجاد فضای خاص می‌گردد. از سوی دیگر، منظر می‌تواند بستر فعالیت‌های مختلف مانند حرکات روزمره، فعالیت‌های معیشتی، و همچنین تفریح و گذراندن تعطیلات

شده است. البته این موضوع متأثر از ایجاد پیوند شهر و منظر طبیعی در کنار توجه ویژه به کیفیت ادراک و جلوه‌های بصری در محیط و فضاهای باز و بسته زندگی است. بنا بر این در این نوع شهرسازی و معماری، توجه به فضای باز اگر دارای اهمیت بیشتر از کالبد و فضای بسته معماری نباشد، کمتر از آن نیست. اکنون حذف لایه‌های اکولوژیکی و زیرساخت مناظر طبیعی در کنار بی‌توجهی به نیاز فطری انسان در برقراری رابطه با طبیعت و تعامل روزانه با جلوه‌های مطلوب ادراک محیط و فضاهای باز، باعث شکل‌گیری بسیاری از مسائل و نوعی بیماری شهری شده است. فضاهای باز و مسیرها و «دالان حرکت» مردم در بسیاری از شهرها، ویژگی‌های معنایی و کیفی همچون گذشته خود را از دست داده‌اند و در روند تراکم و توسعه روزافزون شهری و ترافیک، رابطه نزدیک و مستمر مردم با فضای باز و سبز و به‌ویژه حظ بصر در منظر شهری مختل شده است.

این موضوع مهم که در چارچوب منظر روزانه قابل بررسی و مطالعه است، به نظر ریشه در مجموعه شرایط و ارزش‌هایی دارد که پیوند عمیقی با زندگی مردم و ارتباط در زندگی شهری معاصر دارد که در حال حاضر از آن غفلت شده است. بنا بر این لازم است در روند توسعه ارزش‌های منظر شهری، تمهیداتی برای تقویت پیوند انسان با طبیعت از طریق توجه و تمرکز بر منظر روزانه و تأثیر عینی و ذهنی آن بر مخاطب، اندیشیده شود. پژوهش پیش رو مجالی برای تأمل و نوعی بازاندیشی در چگونگی تعامل مردم با محیط اطراف خود در جریان زندگی شهری، به‌ویژه در منظر روزانه است و می‌تواند فرصتی برای یافتن روش‌های چگونگی غلبه بر چالش‌های زندگی نوین شهری را فراهم کند.

۱.۲.۲. مرور ادبیات موضوع

انسان جزئی از طبیعت و در تعامل با محیط طبیعی و محیط مصنوع به مثابه دو مقوله مهم فراگیر و حیاتی نیازهای مادی و معنوی اوست. در این مورد، هماهنگی و تناسب بین محیط

۶ نک: سیدحسین تقوایی، معماری منظر: درآمدی بر تعریف‌ها و مبانی نظری.

7. B. J. Gawryszewska, "Language of Borders in the Structure of Everyday Landscape", p. 86.

باشد. البته ادراک منظر توأم با انجام هر فعالیت نظیر پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری متفاوت از حالت سکون و تماشای محیط پیرامون (مثلاً با نشستن در اتومبیل و تماشای منظر از طریق پنجره) است.^۸

بر اساس مطالعات در فرایند ادراک، هنگامی که منظر کارایی چشم‌انداز دارد، تأثیر دید در ادراک و واکنش نسبت به زیبایی از سایر حواس مهم‌تر می‌شود. همچنین میزان اطلاعات و آگاهی‌های دریافتی ما از محیط به تنوع و درجه تضاد اطلاعات حسی به‌دست‌آمده و چگونگی تفکیک آن‌ها از یکدیگر، یعنی به چگونگی ردیابی الگوها، بستگی دارد. به‌علاوه، درک الگوها و عوامل ترکیب‌بندی در تحلیل منظر، بر اساس تجزیه و تحلیل عناصر بصری موجود صورت می‌گیرد. عناصر سازنده منظر و ویژگی‌های فضایی نیز، که در آثار متقابل آن‌ها با یکدیگر ظاهر می‌شود، در کنار هم ترکیبی ایجاد می‌کند، که در تحلیل منظر استفاده می‌شود.^۹

البته در مورد ادراک محیط و منظر، از آنجا که واژه محیط کاربری‌های گوناگونی دارد، امکان رسیدن به معنایی واحد به نظر ناممکن و دشوار است، زیرا که در بسیاری از پژوهش‌ها و حوزه‌های متفاوت میان محیط‌های «کالبدی»، «اجتماعی»، «روان‌شناختی»، و «رفتاری» تمایزات فراوانی هست. به طور مثال، کورت کافکا^{۱۰} بین محیط جغرافیایی و محیط رفتاری تمایز قایل می‌شود، چنانچه محیط جغرافیایی را محیط عینی و واقعیت‌های اطراف انسان می‌داند و محیط رفتاری را تصویر شناختی محیط عینی ارزیابی می‌کند که اساس رفتار انسان را شکل می‌دهد.^{۱۱}

کریک (۱۹۷۰) روان‌شناسی محیطی را کنکاشی روان‌شناختی در رفتار آدمی می‌داند که معطوف به زندگی در محیط کالبدی شهری باشد و نوع، میزان، و چگونگی به‌کارگیری فضاهای شهری از طرف شهروندان را ارزیابی کند. او به این نکته اشاره دارد که ساختار شهری در هنگام طراحی فضایی و کالبدی باید

هماهنگ و همگون با نیازهای رفتاری شهروندان باشد تا بتوان با تسهیل استفاده کاربران شهری از فضاها و ساختار شهری، امکان کارآمدی نتایج در حوزه مداخلات شهری را فراهم کرد.^{۱۲} بر اساس همین رویکرد است که در عرصه روان‌شناسی محیطی، باید با ادراک نیازهای رفتاری شهروندان و شناخت نوع و میزان کاربری فضاهای شهری در عرصه شهر و در انطباق با مکانیسم‌های رفتار شهروندی، امکان بهترین و کارآمدترین نوع طراحی یا مداخلات را در عرصه شهر فراهم کرد.

بدین ترتیب، از آنجا که انسان به مثابه جزئی از طبیعت در آن تأثیرات گوناگونی می‌گذارد و درک متفاوتی از محیط به دست می‌آورد^{۱۳}، محیط موفق سبب ارتقای سطح زندگی مردم خواهد شد. در نتیجه مردم در صورت رضایت از محیط و منظر، کیفیت آن را بالا خواهند برد. این تأثیر و تأثر مردم و محیط بر یکدیگر لازمه توجه و مدیریت این رابطه را نشان می‌دهد. به‌علاوه مردم با حضور در محیط و تعامل با آن به درک نسبی از آن می‌رسند؛ اما ادراک در سطوح متفاوت شکل می‌گیرد. البته در سطح دوبعدی که سطح اولیه ادراک است، ادراک سریع الگوهای محیطی، چون نور و تاریکی، عناصر و بافت‌های موجود در صحنه، گونه‌بندی، دسته‌بندی، و جای‌گیری عناصر در آن دیده می‌شود. در سطح سه‌بعدی نیز جنبه‌های عمیق‌تر محیط مورد توجه و کمی‌کنندگی است؛ ولی همچنان سریع و غیر ارادی اتفاق می‌افتد. یک نکته مهم اینکه با وجود دیدگاه‌های گوناگون افراد، الگوها بخش‌های مشابه هم دارند که در صورت پاسخ‌گویی به آن‌ها تا حد زیادی رضایت افراد را تأمین می‌کنند.^{۱۴}

۱.۲.۲. منظر روزانه

بر اساس مطالعات اصطلاح منظر روزانه در ادبیات قرن نوزدهم و بیشتر در مورد اهمیت مشاهده ساختمان‌ها مطرح شد. این مفهوم در قرن بیستم و با آثار نویسندگانی مانند رابرت ونتوری^{۱۵}

8. K. Soini, et al, "Local Residents' Perceptions of Energy Landscape: the Case of Transmission Lines", p. 296.

۹. نک: سایمون بل، منظر: الگو، ادراک، و فرایند، ج ۲.

10. Kurt Koffka
۱۱. هادی محمودی‌نژاد و علیرضا صادقی، طراحی شهری از روان‌شناسی محیطی تا رفاه اجتماعی، ص ۱۶۲-۱۶۳.
۱۲. نک:

D.V. Canter & K.H. Craik, "Environmental Psychology".
۱۳. نک: سیدحسن تقوایی، همان.
۱۴. نک:

R. Kaplan, et al, *With People in Mind: Design and Management of Everyday Nature*.
15. Robert Venturi

16. John Brinckerhoff Jackson
17. M. Christenson, "Google Street View and the Transition from the Unknown to the Known", p. 76.
18. Gawryszewska, *ibid*, p.86.

ت ۱. تنوع فعالیت‌های انسانی و تأثیر آن‌ها در ساختار منظر روزانه، مأخذ: عکس راست:
<http://gehlpeople.com/favour-public-space/>
عکس چپ:
<https://citiesintransition.eu/cityreport/public-spaces-around-europe>

برای همه ما آشنا است و به رغم دریافت اطلاعات و کشف و شهادهای زیادی که صورت می‌پذیرد، همه چیز به نظر عادی و بعضاً کم‌اهمیت پنداشته می‌شود^{۱۶}. بر این اساس و در حالی که هرروزه زمان زیادی از عمر ما به مشاهده خودآگاه و ناخودآگاه این مناظر اختصاص می‌یابد، توجه به آن‌ها، چون بخشی از سرمایه‌های ساخت منظر است، اهمیت زیادی دارد. در تحقیقات انجام‌شده نیز بر ویژگی‌های مناظر عبوری و همه‌روزه و نقش پنهان آن‌ها در سلامت محیطی و رفتارهای اجتماعی تأکید می‌شود.

به طور مثال و به قولی، در میان سرعت زندگی شهری و تغییرات پویای جهان پیرامون، روزانه بودن می‌تواند «تداومی مثبت از تکرار بی‌پایان» دیده شود که قدرت بازسازی ثبات و معنا در محیط شهری را دارد. همچنین درک تداوم و دامنه زندگی روزمره موجب شکل‌گیری «مخزنی غنی از معنای شهری» می‌گردد؛ اما چالش اصلی زدودن ابهام از منظر روزانه است، چرا که «مرجع صریح و ثابت ندارد». این پیچیدگی در

و جان برینکرهوف جکسون^{۱۶}، ارزش بالقوه‌ای یافت. در این زمینه شناسایی عواملی، که به شناخت یک ساختمان یا محیط خاص به منزله بخشی از منظر روزانه کمک می‌کند، اهمیت زیادی دارند. ونتوری و جکسون معتقد بودند که منظر روزانه منظر منتشر شده نیست؛ بلکه اگر آن را میراث کشف شخصی و یا تجربه مستقیم بدانیم، مفاهیم رماتیک و نوستالژیک را در بر می‌گیرد. اگرچه می‌توان آن را عملگرا نیز در نظر گرفت. این موضوع بدان معنا است که به طور مثال یک ساختمان می‌تواند بخشی از منظر روزانه تعریف گردد که اطلاعات مربوط به خود را هم‌زمان به مخاطب منتقل می‌کند^{۱۷}.

از دیدگاه معماری منظر و در یک تعریف، منظر روزانه نزدیک‌ترین منظر در اطراف انسان است که فعالیت‌های وی در آن شکل می‌گیرد^{۱۸}. در تعریف دیگر، منظر روزانه را می‌توان منظر از خانه تا محل کار توصیف کرد. منظری که به طور مکرر و به مقاصد مختلف و در شرایط روحی متفاوتی تجربه و ادراک می‌شود (ت ۱). بر اساس مطالعات در این مناظر که



منظر روزمره؛ خیابان‌ها، پیاده‌راه‌ها، بلوارها، و ...
افراد آن چنان درگیر افکار خود هستند که متوجه پیرامون خود نمی‌شوند.



دوران معاصر عمیق‌تر است. بنا بر این توجه به پتانسیل زندگی روزمره می‌تواند باعث تحول در روند طراحی مبتدل و حد متوسط بسیاری از مناظر شهری گردد.^{۲۰}

اما از دیدگاه برنامه‌ریزی و طراحی محیطی و شهری، شهر و فضاهای مختلف عمومی و خصوصی «آن»، ظرفی برای فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین آن هستند. چند و چون این فضاها وابستگی شدیدی به چگونگی فعالیت و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان دارد. فضاهای عمومی بستر وقوع زندگی جمعی هستند و فضاهایی به‌جامانده از فضاهای خصوصی چنین خاصیتی را برای ارتباط آن‌ها ندارند. فضاهای شهری عرصه‌های زندگی جمعی و تعاملات اجتماعی است. شهروندان گرد هم می‌آیند، تا من خود را تبدیل به «ما» کنند، «ما»یی که شکوه «توان جمعی» را به معرض تماشا می‌گذارد.^{۲۱} این موضوع که بر اهمیت موضوع منظر روزانه در تعامل با فضاهای شهری و عرصه‌های زندگی جمعی تأکید دارد، نشان می‌دهد که مفهوم منظر روزانه می‌تواند به‌شدت متأثر از مکان‌ها و فضاهای سبز و در تلفیق با آن‌ها نیز تبیین شود. به طور مثال از سال ۱۹۹۰ معیاری در سیستم برنامه‌ریزی قرار داده شد که مناطق شهری باید، برای جلوگیری از گسترش بی‌رویه، افزایش پویایی پایدار، ایجاد سرمایه اجتماعی، افزایش رشد اقتصادی، و حفاظت از محیط‌های طبیعی در مقابل توسعه، از طریق تراکم و کاربری زمین مختلط توسعه یابند. یک تأثیر این هنجار فشار بر منظر روزانه را در نقاط توسعه‌ای، به دلیل مجاورت آن‌ها به مناطق مسکونی، مراکز شهر و زیرساخت‌های حمل‌ونقل— که آن‌ها را به دلیل زمین توسعه‌ای بودن جذاب می‌کند— افزایش داده است.^{۲۲} البته در مناطقی که امکان توسعه و نگهداری فضاهای سبز شهری محدود است، می‌توان، با ترکیب و تسری فضاهای سبز غیر متمرکز با شبکه معابر، کیفیت منظر روزانه را ارتقا بخشید.^{۲۳} این امر نیاز به توسعه و ساخت فضاهای سبز مستقل چون باغ‌ها و پارک‌ها را کاهش می‌دهد و متناسب با دیدگاه‌های

نوبین طراحی منظر و طراحی شهری، با رفع نیازهای مادی و معنوی مردم به این فضاها، به کاهش سفرهای درون شهری نیز کمک می‌کند. به‌علاوه، برای انطباق بخش‌هایی از ساختار طراحی منظر با شبکه معابر، ضمن بهره‌گیری از برخی الگوهای اجتماعی، مکان‌ها و ارزش‌هایی، که در عرف اجتماعی پذیرفته شده است، موجب کارایی بیشتر این ساختارها و مناظر ایجاد شده می‌شود. البته افزایش کارایی و استفاده از امکانات و جنبه‌های کیفی بصری که مورد قبول مردم است، مراقبت و نگهداری آن‌ها را نیز به دنبال خواهد داشت.^{۲۴}

۱.۲.۳. مقیاس و حوزه عمل در منظر روزانه

بر اساس مطالعات، محدوده منظر روزانه می‌تواند کوچک باشد یا در بستر شهر شکل گیرد؛ اما محدود به محیط‌های شهری نیست و می‌تواند نزدیک محل کار، خانه، مدرسه، بیمارستان، و سایر مؤسسات باشد.^{۲۵} همچنین، مقیاس منظر روزانه می‌تواند برای هر فرد به فاصله از خانه تا مقصد (محل کار) محدود و تعریف شود.^{۲۶} به‌علاوه، منظر روزانه می‌تواند محلی برای پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، یا مکانی برای نشستن و مشاهده فعالیت‌های روزانه مردم تبیین شود. اگرچه به قول کاپلان، منظر روزانه یک منظر بکر، دور، بزرگ، و دست‌نخورده نیست؛ بلکه بسیار معمولی و نزدیک است و شامل فضاهای باز و پارک‌ها، درختان، خیابان‌ها، زمین‌های خالی، باغ‌های منازل، زمین‌های کشاورزی، و غیره است.^{۲۷} البته در مورد منظر روزانه نکته مهم این است که، در مقیاس‌های محدود، تأکید بیشتر بر کیفیت منظر است که به طور دقیق و از نزدیک احساس می‌شود. در این وضعیت، تأثیر هریک از توجهات در مقیاس‌های متفاوت کلان تا خرد می‌تواند در ارتقای کیفی کل منظر نقش داشته باشد. به‌علاوه، اگر کیفیت منظر روزانه را در فواصل مختلفی با سامان‌دهی و پردازش مکان‌هایی که مورد توجه عرف است تغییر دهیم، در مقیاس‌های کوچک به طراحی منظر کمک زیادی خواهد شد.

۱۹. نک: تقوایی، همان: همچنین این مفهوم از دیدگاه معماری منظر و برای اولین بار در سال ۱۳۸۳ در رساله دکتری نگارنده اول معرفی شده است.
۲۰. نک:

P. Bille, "When Nature and Landscape Substitute the Urban Square"; L.P. Rajendran, "Everyday Landscape and Meaning in Urban Living".

۲۱. نک: جهان‌شاه پاکزاد، فرهنگ کارشناسی و فرهنگ مردم.
۲۲. نک:

H. Hofstad, "Handling Tensions in the 'Everyday Landscape': Moving beyond the Development-Conservation Conflict?", pp.360.

۲۳. نک:

Rajendran, ibid.

۲۴. نک: تقوایی، «دیدگاه طراحی منظر بوم‌گرا در مناطق گرم و خشک ایران: الگوی واحه».

۲۵. نک:

Bille, ibid.

26. S.H. Taghvaei & S.A. Hashemi Zadegan, "Relating to Pedestrian Route and Expressway (Case Study: Resalat Expressway; The Part Joining Bayhaghi and Seyedkhandan Terminal)".

۲۷. نک:

Kaplan, et al, ibid.

ساکن و بازدیدکنندگان، افراد شاغل در محل، افرادی که پیاده آمده‌اند یا با ماشین یا با دوچرخه یا با سندلی چرخ‌دار، مردم آگاه و مطلع از دانش‌هایی چون اکولوژی طراحی و برنامه‌ریزی، و یا افراد با اطلاعات متوسط و عادی.^{۳۹}

علاوه بر موارد مطرح‌شده، برخی متخصصان به اهمیت الگوهای محلی و ارزش‌های بومی در ادراک منظر و کیفیت منظر روزانه تأکید دارند. به طور مثال سایمون بل (۱۳۸۶) بر نقش الگوهای بومی به‌کاررفته در منظر روزانه و اهمیت آن در ارتقای کیفیت زندگی مردم تأکید دارد. بدین ترتیب، تأکید بر موضوع بوم‌گرایی و نقش آن در کیفیت منظر روزانه اگر در مقیاس‌های محدود اما پیوسته باشد می‌تواند عملی و امکان‌پذیر گردد. زیرا مقیاس‌های کوچک‌تر در قلمرو مالکیت‌های کمتر و تقریباً همگن واقع شده‌اند و این موضوع نیز متأثر از عوامل دیگر به پایدار شدن طرح بوم‌گرا کمک می‌کند.

علاوه بر این موارد، به نظر متخصصان موضوع ترجیحات منظر با توجه به نیازها و چگونگی شرایط حضور مردم در مقیاس‌های گوناگون فضایی، محیطی، و اجتماعی نیز اهمیت زیادی دارد. همچنین مردم در مقیاس‌های گوناگون و شکل‌ها و گونه‌های متفاوت حضور می‌یابند؛ اما همه آن‌ها در ترجیحات و نیازهای خود نسبت به محیط شباهت‌هایی دارند. به‌علاوه، جلوه‌های گوناگون بروز این مطلب، به فرهنگ و زمان و مکان مردم نیز بستگی دارد. در این زمینه، به قولی در زندگی شهری معاصر نیاز به کاهش پیچیدگی فضایی هست و مطالعه دقیق مناظر روزمره شهری دامنه غنی برای درک چالش‌ها و مذاکرات در زندگی شهری فضایی را فراهم می‌کند.^{۴۰} در این مورد ذکر این نکته ضروری است که مردم به دلایل متعددی در منظر روزانه حضور پیوسته دارند و این بستر از گروه‌های بسیار متعدد جمعیتی را میزبانی می‌کند: پیر و جوان، سالم و بیمار، افراد

28. Rajendran, ibid, pp. 128-129.

۳۹. نک: تقوایی، همان.

ت ۲. اهمیت شرایط محیطی و اکولوژیکی در منظر روزانه در کنار تغییر ساختارهای منظر، عکس سمت راست: نگارنده سوم؛ عکس سمت چپ: <https://www.pps.org/reference>



منظر روزانه در شهر معاصر
زندگی شهری چه تأثیری بر منظر روزانه گذاشته است؟



منظر روزانه (محدوده پیرامون باغ فین)
استفاده از الگوهای بوم‌گرا می‌تواند باعث پایداری مناظر روزانه شود.

۱.۲.۴. الگوهای ارزیابی و سنجش منظر روزانه

گسست و نبود امکان رابطه مطلوب میان انسان و منظر، به‌ویژه در منظر روزانه، می‌تواند یکی از مسائل زندگی پایدار شهری به حساب آید. این نکته در حالی مطرح است که امروزه با آسیب‌دیدگی شدید جنبه‌های مهم حیاتی، اکولوژیکی، و زیبایی‌شناختی منظر مواجه هستیم. چنین مسائلی از دیدگاه علوم اجتماعی، حاصل افزایش شهرنشینی متأثر از جانشینی ساختارهای مدرن منظر شهری با ساختارهای سنتی ملهم از منظر روستایی و محیط‌های طبیعی است (ت ۲). بدین ترتیب ساکنان شهرها و مردم محلی، کمتر و کمتر اوقات فراغت‌شان را در محدوده محیط مسکونی خود، که ما آن را بخشی از منظر روزانه به حساب می‌آوریم، صرف می‌کنند. به‌علاوه، اغلب وقت خود را در حوزه خصوصی خانه‌های خود و یا مناطق تفریحی راه دور سپری می‌کنند.

به نظر متخصصان، نتیجه چنین شرایطی موجب می‌شود که هم‌زمان مردم و ساکنان از زندگی اجتماعی محلی خود دور مانند و از فرصت‌های موجود برای شرکت در تصمیم‌گیری‌های محلی نیز چشم‌پوشی کنند. در این زمینه و در مورد «فرهنگ‌پذیری» سیمل^{۳۰} (۱۹۹۳) معتقد است که، انسان با شکل دادن به عناصر محیط پیرامونش فرهنگ خود را ایجاد می‌کند. از این دیدگاه، گسست در منظر روزمره می‌تواند نتیجه نوعی فرایند بیگانگی میان مردم و محیط زیست‌شان با مفهوم فقدان انعطاف‌پذیری تلقی گردد.

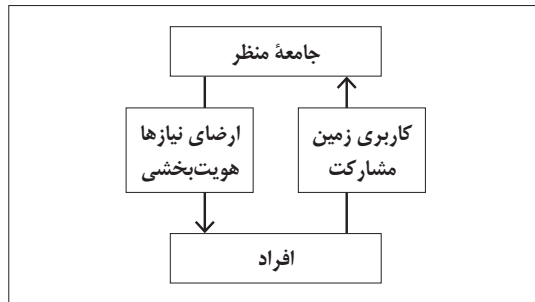
به بیان دیگر، ارضای نیازهای ساکنین و هویت آن‌ها با منظر روزانه برآورده نمی‌گردد و منظر روزانه دیگر نمی‌تواند نیازهای ساکنان محلی را برآورده کند. در نتیجه ساکنان محلی

مشخصات اطلاعات	ادراک	شناخت و اکتشاف
اطلاعات سریع (سطح دوبعدی)	پیوستگی	پیچیدگی
اطلاعات آینده (جهان سه‌بعدی)	خوانایی	رمز و راز

برای برآورده شدن نیازهای خود تلاش زیادی هم نمی‌کنند، زیرا آن‌ها فرصت رضایت‌بخشی برای تأثیرگذاری در توسعه منظر پیرامون خود را ندارند. بنا بر این، در راهبرد مناسب برای توسعه پایدار منظر نباید تنها بر حفظ منابع فیزیکی منظر تمرکز شود؛ بلکه باید مشارکت بیشتر مردم و ساکنان در توسعه منظر تضمین شود. بر این اساس، دیدگاه‌های مطرح‌شده نشان می‌دهد که برآورده کردن نیازها و احساس مسئولیت مردم در محیط محلی معیار کلیدی برای توسعه پایدار است^{۳۱}. همچنین، مناظر روزانه نقش مهمی در رفع نیازهای اجتماعی، حل بحران هویت، و بازیابی روانی دارند^{۳۲}.

با توجه به دیدگاه‌های فوق، در زمینه سنجش وضعیت و چگونگی ارزیابی در منظر روزانه می‌توان از نظریه ترجیح محیطی کاپلان بهره‌مند شد. کاپلان در نظریه خود به دو موضوع و پرسش مهم اشاره دارد: اول اینکه مردم محیط خود را چگونه می‌فهمند و درک می‌کنند؟ و دوم اینکه چگونه با محیط ارتباط برقرار می‌کنند و درگیر می‌شوند؟ آگاهی که مدل کاپلان بر پایه جنبه‌های ذهنی منظر-ویژگی‌های اطلاعاتی و نه فیزیکی عرضه شده است و دو هدف درک و ارتباط، با چهار عنصر اطلاعاتی، که ماتریس کاپلان را تشکیل می‌دهند، همراه هستند (ت ۳).

بر اساس مدل کاپلان، جنبه‌های «پیچیدگی»^{۳۳} و «به‌هم‌پیوستگی»^{۳۴} محیط در زمان حال و به صورت دوبعدی



۳۰. نک:

G. Simmel, *Das Individuum und die Freiheit*.

31. M. Buchecker, et al, "Participatory Landscape Development: Overcoming Social Barriers to Public Involvement", p. 31.

۳۲. نک:

Rajendran, *Everyday Landscape and Meaning in Urban Living*.

33. Complexity

34. Coherence

ت ۳ (راست). ارتباط میان عوامل مدل ترجیحات محیطی کاپلان، مأخذ:

Kaplan, et al, "Assessing the Visual Quality of Rural and Urban-Fringed Landscapes Surrounding Livestock Farms".

ت ۴ (چپ). مدل پویای جامعه-منظر-تعامل، این مدل از منطق میان مشارکت، ارضای نیازها، و هویت شکل می‌گیرد، مأخذ:

Buchecker, et al, "Participatory Landscape Development: Overcoming Social Barriers to Public Involvement", p.31.

35. Mystery
36. Legibility

۳۷. نک:
Kaplan, et al, "Assessing the Visual Quality of Rural and Urban-Fringed Landscapes Surrounding Livestock Farms".

38. Buchecker, et al, ibid, pp. 30-31.

۳۹. مدل ارزش‌ها و عناصر سازنده منظر در معماری منظر (تقوایی، معماری منظر: درآمدی بر تعریف‌ها و مبانی نظری، ص ۱۳۵).

ت ۵. منظر روزانه در شهرهای معاصر و تعاملات اجتماعی به مثابه یکی از لایه‌های آن، مأخذ: www.landezine.com

آن‌ها اشاره شده است تا فرد با جستجوی بیشتر به آن‌ها دست یابد.

- خوانایی: ویژگی از محیط است که باعث می‌شود فرد، بدون گم شدن، بتواند در محیط به حرکت و جستجو بپردازد.^{۳۷}

با توجه به اینکه هر فرد ویژگی‌های خود شامل هویت، ارزش‌ها، و نیازها را در تبادل با محیط فیزیکی و اجتماعی سازگار می‌کند، بنا بر این جامعه و منظر همچون یک نتیجه از فرایند تغییرات پویا میان افراد و محیطشان درک می‌گردد (ت ۴). به مثابه یک ساختار متغیر، منظر از یک سو به افراد چارچوبی برای تحقق نیازهای واقعی‌شان ارائه می‌دهد و از سوی دیگر همان ساختار فرد را قادر می‌کند تا خود را با تغییر آن توسعه دهد.^{۳۸}

در ترکیب با مدل کاپلان، به منظور ارزیابی و سنجش کیفیت منظر روزانه با تأکید بر عناصر و ساختارهای آن، می‌توان از مدل تقوایی، که مبتنی بر «ارزش‌ها و عناصر سازنده منظر»^{۳۹} است، استفاده کرد. این مدل متشکل از سه جنبه کلی عناصر محیط طبیعی، عناصر محیط مصنوع، و محیط فعالیت‌های انسانی است

توصیف می‌شود. یعنی با یک نگاه و بدون حرکت در فضای سه‌بعدی منظر و به صورت ساکن، می‌توان در لحظه این دو ویژگی را تشخیص داد. کاپلان در این مدل بخش دیگر یعنی «رمز و راز»^{۳۵} و «خوانایی»^{۳۶} محیط را وابسته به آینده و به صورت سه‌بعدی توصیف می‌کند. برای فهمیدن این دو ویژگی باید در فضای سه‌بعدی منظر و در زمان حرکت کرد. بنا بر این چهار ویژگی اصلی در ماتریس کاپلان به این شرح هستند:

- پیوستگی: به منظری اشاره دارد که شخص بیننده، قابلیت سازمان‌دهی آن منظر به واحدهای قابل تشخیص و در عین حال وابسته را دارد.

- پیچیدگی: آیا چشم‌انداز ویژگی‌های کافی دارد تا فرد را مشغول یا جذب کند؟ پیچیدگی به تعداد عناصر بصری مختلف حاضر در یک چشم‌انداز بستگی دارد.

- رمز و راز: در یک چشم‌انداز پنهان است و اگر فرد جستجوی بیشتری در یک منظر انجام دهد، به این اطلاعات جدید دست می‌یابد. این اطلاعات در مقابل چشم حاضر نیستند و فقط به



زندگی روزمره بی‌انتهای و با ریتم تکراری: هنگ کنگ



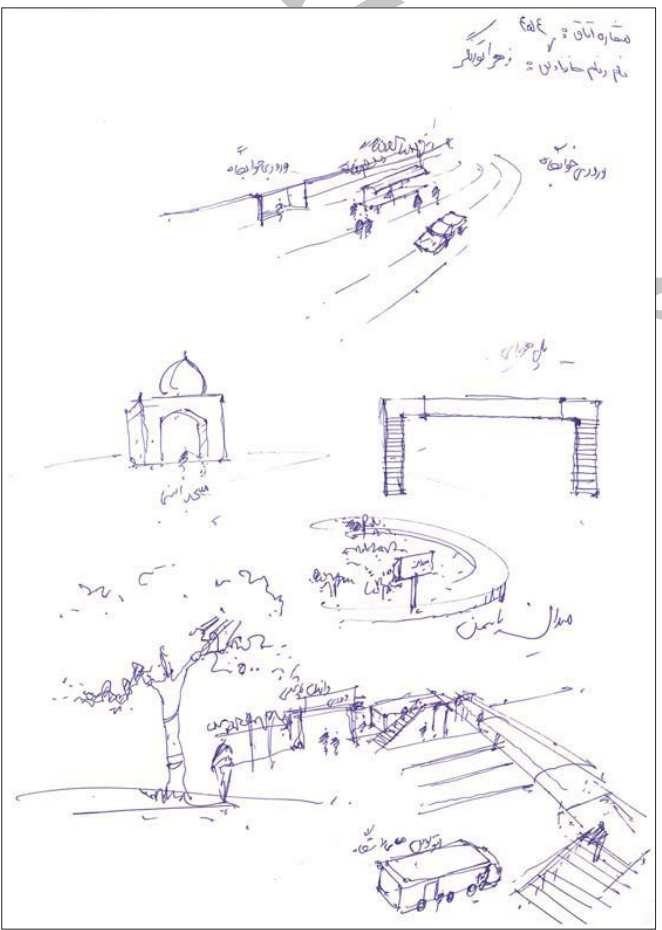
زندگی روزمره به تبع رفتار مردم می‌تواند پویا و سرشار از فرصت‌های طراحی باشد: ناتینگهام

و در آن بر کیفیت‌گرایی در ساختار معماری منظر، همچنین اهمیت شناخت نیازهای فطری انسان در تعامل با محیط، به‌ویژه نقش مهم محیط طبیعی در ارتباط با محیط انسان‌ساخت (محیط مصنوع) و توجه به محیط فعالیت‌های انسانی تأکید فراوانی شده است.

به طور مشخص هدف محققین این پژوهش شناخت منظر روزانه و تأثیر آن بر ادراک انسانی با نگرش معماری منظر است

ت ۶ (راست، چپ، و بالا). نمونه‌هایی از تصویر ذهنی مخاطبین؛ شیوه بیان: کروکی پلان، نوشتاری، تصویر سه‌بعدی از مسیر.

شماره آبان ۳۶ ب نام رستم خدادان و سائینا شین عرب‌نارو
از این مسیر گفتن، چشم بسته دقت ایضا می‌نورند از سوی چشم:
حدود آبان، منطقه نارنجیان، نرود، حارسر، آستان سرد، نقاشی‌گری است.
باز نرودهای سبز، و بازم، عجیب است که چرخ‌دستی یارم نمی‌آید. شیبای من
بروه است.



۲. روش تحقیق ۱.۲. فرایند

بر اساس مطالعات، بیشتر ارزیابی‌های بصری از یک روند از پیش تعیین شده پیروی می‌کنند. این روند از یک مطالعه اسنادی آغاز می‌شود که آشنایی با سایت، تعیین محدوده، و زمینه لازم برای مطالعات میدانی را تأمین می‌کند. یک فرد متخصص برای ارزیابی میدانی (شامل پر کردن فرم‌های ارزیابی و یادداشت‌برداری و عکس‌برداری) به سایت اعزام می‌شود. مرحله بعد، مرتب نمودن اطلاعات میدانی است. سپس گروهی از افراد، نظر خود را در مورد اسلایدها و عکس‌های سایت بیان می‌کنند. در مرحله بعد، یک گروه از متخصصان یافته‌ها و یک گزارش

که در آن بر چگونگی ارتباط انسان و محیط در قالب تعامل او با فضاهای باز شهری تأکید دارند. در این مطالعه، تأثیر منظر روزانه بر کیفیت زندگی و ارتباط روان‌شناختی انسان با محیط، ساختار اجتماعی جامعه، و تعاملات انسانی از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های مورد توجه است. بر این اساس نیز پرسش‌های به شرح زیر مطرح است:

- منظر روزانه چیست و در افکار طراحان و مردم، به منزله مخاطبین طرح، چه سهمی دارد؟

- نقش منظر روزانه بر کیفیت زندگی بشر و ارتباط روان‌شناختی او با محیط طبیعی و فیزیکی پیرامونش چگونه است؟

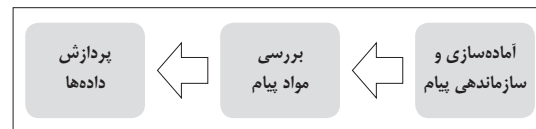
ت ۷. تصاویری از منظر روزانه در مسیر دانشگاه شهیدبهشتی تا خوابگاه کوی در تهران، عکس‌ها: نگارندگان.

	<p>منظر روزمره؛ مسیر دانشگاه شهیدبهشتی تا خوابگاه کوی. منظر روزانه با تلفیق فضای سبز باعث افزایش حظ بصری و ماندگاری در ذهن مخاطب می‌گردد.</p>	
		
<p>مبدأ مسیر: خوابگاه دانشجویی منظر روزانه می‌تواند مسیری کوتاه باشد، مثل مسیر خوابگاه به دانشگاه.</p>	<p>طول مسیر چه چیزهایی در مسیر توجه فرد را به خود جلب می‌کند؟ چه چیزهایی در یاد مخاطب می‌ماند؟</p>	<p>مقصد مسیر آیا مسیر خوانا است؟ فرد چگونه متوجه می‌شود به مقصد رسیده است؟</p>

شامل میانگین‌ها را عرضه می‌کنند. بر اساس تحقیقات انجام شده، می‌توان از عکس‌ها با اطمینان کامل در ارزیابی بصری استفاده کرد^{۴۰}. بر همین اساس، برای انجام ارزیابی بصری منظر روزانه در عمل، محدوده مسیر خوابگاه کوی به دانشگاه شهید بهشتی به منزله مورد پژوهی انتخاب شد. در این پژوهش ۴۰ نفر از دانشجویان دختر ساکن خوابگاه به صورت تصادفی انتخاب و مخاطبین منظر روزانه شدند و تحلیل تصویر ذهنی آن‌ها و ارزیابی داده‌ها در دستور کار قرار گرفت (ت ۶).

بر اساس روش کار و به دنبال مطالعه و بررسی تعدادی از نظریه‌ها و مدل‌های روان‌شناسی محیط، مدل ترجیحات محیطی کاپلان برگزیده شد تا، در تطبیق با مدل ارزش‌ها و عناصر سازنده منظر، نمونه موردی منظر روزانه آماده شود. به این منظور سه مؤلفه کلی مدل تقوایی یعنی عناصر محیط‌های طبیعی و مصنوعی، و فعالیت‌های انسانی مبنای طبقه‌بندی عناصر منظر روزانه، در ترکیب با چهار شاخصه اصلی مدل کاپلان یعنی پیوستگی، پیچیدگی، رمز و راز، و خوانایی ارزیابی شدند. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و مجموعه داده‌ها نیز از روش آنتروپی شانون استفاده شد.

- تجزیه و تحلیل داده‌ها: برای دستیابی به محتوای پیام، بر اساس روش شانون، سعی شد تا از طریق مصاحبه مکتوب و در دو مرحله به داده‌هایی دست یافت تا به کمک آن‌ها عوامل مؤثر در منظر روزانه شناسایی شود. در این زمینه، در مرحله نخست از جامعه مخاطبان خواسته شد تا تصویر ذهنی خود را بر روی برگه‌ای بیان کنند. پس از گردآوری تصاویر ذهنی دانشجویان سعی شد تا با رمزگذاری پیام و مقوله‌بندی آن، اطلاعات به دست آمده تحلیل شوند. در این مرحله تصاویر ذهنی



از نظر اشاره به مقوله‌های تشکیل‌دهنده منظر روزانه بررسی شدند و فراوانی هر یک از عناصر مشخص شد. در این بخش بر اساس فراوانی به دست آمده و با توجه به اهمیت منظر از آزمون مرحله قبل، تصاویری از مسیر منظر روزانه که بیشترین تکرار را داشتند انتخاب شدند و در اختیار همان گروه از دانشجویان گذاشته شدند تا این بار با استفاده از روش ارزیابی بصری کاپلان آن‌ها را بررسی کنند (ت ۷). در این ارزیابی مفاهیم پیوستگی، پیچیدگی، رمز و راز، و خوانایی تصاویر سنجش شدند.

در ادامه نتایج حاصل از تحلیل و بررسی پاسخ‌های مخاطبان منظر روزانه به مفاهیم مورد اشاره در مورد عکس‌ها با بهره‌گیری از روش کمی در قالب جداولی ارائه شد که روند ارزیابی در آن مشهود است. البته اطلاعات مورد نیاز این پژوهش مبتنی بر بنیادهای نظری اکتشافی به دو صورت اسنادی و میدانی جمع‌آوری شده است. با توجه به استفاده از روش شانون به منظور تعیین اهمیت و کیفیت شاخص‌های مهم منظر روزانه در ذهن افراد که در ادامه تبیین خواهد شد؛ نتیجه حاصل از آزمون این مدل‌ها در جامعه مورد مطالعه تحلیل و ارزیابی شد.

۲.۲. تکنیک آنتروپی شانون و تحلیل محتوی

آگاهی که هر محقق در صدد پاسخ دادن به یک تعداد سؤال پژوهشی و یا بررسی صحت یا سقم یک یا چند فرضیه پژوهشی است. در روش تحقیق، مهارت‌ها و فنون متفاوتی برای نیل به این هدف وجود دارد. یکی از روش‌هایی که در دهه‌های اخیر به شدت رواج داشته، روش «تحلیل محتوی» است. از یک سو، تحلیل محتوی فنی است که برای جستجوی دریافت جنبه‌های ادراکی و احساسی پیام‌ها و یا ادراکات ضمنی قابل استخراج از بیانات است. به علاوه، در حوزه‌های مختلف دانش با این روش سعی می‌شود که از مصاحبه‌ها، مشاوره‌ها، انواع آزمون‌ها، سخن گفتن، حرکات حسی و عاطفی، و یا هر عنصر دیگری، که راه‌گشای فهم و درک فرد باشد، اطلاعاتی که مبنای کشف

۴۰. نک: منوچهر طبیعیان، دستورالعمل‌های ارزیابی منظر و آثار بصری.

ت ۸. مراحل تحلیل محتوی بر اساس آنتروپی شانون، مأخذ: آذر، «بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوا»، ص ۷.

پاسخ گو در ز مقوله طبقه بندی شده است (حاصل از رابطه ۱)، و بار اطلاعاتی هریک از مؤلفه‌ها (حاصل از رابطه ۲) محاسبه گردید.

$$P_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sum_{i=1}^m a_{ij}} \quad (i=1, 2, \dots, 17; j=1, 2, \dots, 25) \quad (1)$$

$$E_j = -K \sum_{i=1}^m [P_{ij} \ln P_{ij}] \quad (j=1, 2, \dots, 25), k = \frac{1}{\ln 17} \quad (2)$$

در نهایت، ضریب اهمیت هر یک از مقوله‌ها با استفاده از رابطه (۳) به دست آمد. در این رابطه، W_j شاخصی است که ضریب اهمیت هر مقوله زام را در یک پیام با توجه به کل پاسخ‌دهندگان مشخص می‌کند.^{۴۳}

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j} \quad (j=1, 2, \dots, 25) \quad (3)$$

۳. یافته‌ها

یافته‌های منتج از تصویر ذهنی دانشجویان در چارچوب مدل تقوایی و در سه حوزه «عناصر محیط‌های طبیعی و مصنوع، و فعالیت‌های انسانی» تقسیم‌بندی شده و در «ت ۹» آورده شده است. همان‌گونه که اشاره شد، پس از سنجش اطلاعات حاصل از تصویر ذهنی، تصاویری از منظر روزانه، که بیشترین فراوانی را داشتند، مشخص گردید. در این سنجش مؤلفه‌های پارک،

پاسخ سؤالات تحقیق و بررسی فرضیات هستند بیان شود.^{۴۱} از سوی دیگر، یک مفهوم اساسی در علوم فیزیکی، علوم اجتماعی، و سیستم‌ها آنتروپی است. آنتروپی نشان‌دهنده مقدار عدم اطمینان حاصل از محتوای یک پیام است. به بیان دیگر، آنتروپی، در تئوری اطلاعات، شاخصی است برای اندازه‌گیری عدم اطمینان که با یک توزیع احتمال بیان می‌شود.^{۴۲} بنا بر این روش آنتروپی شانون از طریق یک الگوریتم به سنجش اطلاعات پیام در تحلیل محتوی می‌پردازد که برای تشریح آن لازم است در ابتدا پیام بر حسب مقوله‌ها، به تناسب هر پاسخ‌گو، در قالب فراوانی شمارش شود. در واقع اگر مراحل فن تحلیل محتوی را به ترتیب آماده‌سازی و سامان‌دهی پیام، بررسی مواد پیام و پردازش داده‌ها بدانیم، روش آنتروپی شانون در حوزه سوم، یعنی پردازش داده‌ها، قرار خواهد گرفت (ت ۸). در مجموع این روش، که برگرفته از تئوری اطلاعات است، می‌تواند به حوزه تحلیل داده‌ها در تحلیل محتوی توسعه یابد.^{۴۳}

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا هر مؤلفه به صورت مجزا در هر پرسشنامه ارزیابی شد و بر اساس گزینه نسبت داده‌شده، ضریبی از طیف لیکرت به آن اختصاص یافت و در نهایت این ضرایب با یکدیگر جمع شد. پس از به هنجار کردن داده‌ها و با این فرض که محتوای یک پیام از نقطه نظر i تعداد

۴۱. عادل آذر، «بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوا»، ص ۲.

۴۲. نک: J. L. Ringuest, *Multiobjective Optimization: Behavioral and Computational Considerations*.

۴۳. آذر، همان، ص ۷.
۴۴. از این روش در تحلیل داده‌های میدانی استفاده می‌گردد.

ت ۹. مؤلفه‌های منظر روزانه مورد اشاره از سوی گروه مورد مطالعه. تدوین: نگارندگان.

عوامل	عناصر محیط طبیعی		عناصر محیط مصنوع										عناصر محیط فعالیت‌های انسانی																														
	فراوانی	۷	۸	تپه‌های خالی	درختان	پارک	منظره شهر	هوای پاک	فضای ناکستری	کوه‌ها	گل‌های روبه‌روی ایستگاه	سردرهای	پل عابر	۲۶	۲	۱۰	۱	۳	۳	۲۸	۴	۸	۷																				
سرآشپزی تند	۷	۸	سورمارکت	درون دانشگاه	پلکان‌ها	مسجد	منظومه خرد	سردرها	پل عابر	گل‌های روبه‌روی ایستگاه	کوه‌ها	فضای ناکستری	کوه‌ها	سردرهای	پل عابر	۲۶	۲	۱۰	۱	۳	۳	۲۸	۴	۸	۷																		
تند ماشین	۴	۲	میدان یاسمن	کابینک	داروخانه	مجمع خرید و نلچک	بانک	سوپرمارکت	درون دانشگاه	پلکان‌ها	مسجد	منظومه خرد	سردرها	پل عابر	گل‌های روبه‌روی ایستگاه	کوه‌ها	فضای ناکستری	کوه‌ها	سردرهای	پل عابر	۲۶	۲	۱۰	۱	۳	۳	۲۸	۴	۸	۷													
تجمع دانشجویان - جوی درب‌ها	۲	۱	تجمع ناگسی‌ها	ایستگاه اتوبوس	خوابگاه دختران	نیمکت	تراس‌بندی رو به روی خوابگاه	تابلی تبلیغاتی	تردهای وسط خیابان	پارکینگ میانی	دکه روزنامه	گفروشی	ساختمان‌های موجود	ساختمان‌های در حال ساخت	رستوران	میدان یاسمن	کابینک	داروخانه	مجمع خرید و نلچک	بانک	سوپرمارکت	درون دانشگاه	پلکان‌ها	مسجد	منظومه خرد	سردرها	پل عابر	گل‌های روبه‌روی ایستگاه	کوه‌ها	فضای ناکستری	کوه‌ها	سردرهای	پل عابر	۲۶	۲	۱۰	۱	۳	۳	۲۸	۴	۸	۷

پل عابر پیاده، مسجد ولنجک، میدان یاسمن، ایستگاه اتوبوس، مسیر بالاترین فراوانی را داشتند، بنا بر این ۹ تصویر مرتبط با منظومه خرد، تپه‌های اطراف، دکه‌ها، و ساخت‌وساز موجود در این مؤلفه‌ها انتخاب گردید (ت ۱۰).

ت ۱۰ ←



عکس شماره ۳: تپه‌های اطراف



عکس شماره ۲: ساخت و ساز



عکس شماره ۱: دکه روزنامه فروشی



عکس شماره ۶: پارک



عکس شماره ۵: منظومه خرد



عکس شماره ۴: مسجد ولنجک



عکس شماره ۹: ایستگاه اتوبوس



عکس شماره ۸: میدان یاسمن



عکس شماره ۷: پل عابر پیاده

مشاهده انسان هستند، به خاطر جمعیت زیاد مخاطبین خود، سهم بسیار بالایی در تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های فرهنگی دارند. بدین ترتیب، با توجه به مسائل موجود در زمینه‌های گوناگون زندگی شهری و به‌ویژه در منظر شهری، موضوع منظر روزانه به مثابه یکی از جنبه‌های مهم در کیفیت فضایی، محیطی، و اجتماعی هر شهر از دیدگاه‌های متفاوت متخصصان معماری منظر، برنامه‌ریزی، و طراحی شهری، و علوم اجتماعی و فرهنگی بررسی شد.

به عقیده متخصصان، تجارب روزمره زندگی در شهرها، امروزه به عاملی مهم در درک و تعریف «مکان‌های شهرنشینی»

ت ۱۰ (صفحه روبه‌رو). مناظر منتخب مسیر مورد مطالعه از سوی دانشجویان منتخب. عکس‌ها: نگارندگان.

خوانایی	رمز و راز	پیچیدگی	پیوستگی	چهار مقوله
۱۴۵	۸۹	۹۴	۱۰۷	فراوانی حاصل از ۴۰ پاسخ‌گو

خوانایی	رمز و راز	پیچیدگی	پیوستگی	مقوله‌ها
۳/۶۵۴۵۴	۳/۵۷۰۳۰۶۶۷	۳/۵۸۵۳۲۵۵۴	۳/۵۸۵۴۱۸۶۳	اعضای منتخب به تعداد ۴۰ نفر
۰/۹۹۰۶۹۱	۰/۹۶۷۸۵۶۶۹۲	۰/۹۷۱۹۲۸۰۸۱	۰/۹۷۱۹۵۳۳۱۷	عدم اطمینان (Ej)

خوانایی	رمز و راز	پیچیدگی	پیوستگی	مقوله‌ها
۰/۲۵۳۸۶۵	۰/۲۴۸۰۱۳۹۰۸	۰/۲۳۹۰۵۲۰۴	۰/۲۳۹۰۶۳۶۷۱	ضریب اهمیت (Wj)

اولویت‌بندی مؤلفه‌های منظر روزانه از دیدگاه مخاطبین	رمز و راز			
	پیوستگی	خوانایی	پیچیدگی	پیوستگی
عکس شماره ۱	۲	۱	۳	۴
عکس شماره ۲	۲	۳	۱	۴
عکس شماره ۳	۳	۱	۲	۴
عکس شماره ۴	۲	۱	۳	۴
عکس شماره ۵	۲	۱	۱	۴
عکس شماره ۶	۲	۳	۱	۴
عکس شماره ۷	۲	۱	۳	۴
عکس شماره ۸	۳	۱	۲	۴
عکس شماره ۹	۲	۱	۳	۴

ت ۱۱ (بالا). فراوانی حاصل از پاسخ‌گویان برای چهار مقوله (پیوستگی، پیچیدگی، رمز و راز، خوانایی)، تدوین: نگارندگان.
ت ۱۲ (بالا، دوم). میزان عدم اطمینان (Ej) هر یک از مقوله‌ها، تدوین: نگارندگان.
ت ۱۳ (بالا، سوم). ضریب اهمیت (Wj) هر یک از مقوله‌ها، تدوین: نگارندگان.
ت ۱۴ (پایین). اولویت‌بندی مؤلفه‌های منظر روزانه از دیدگاه مخاطبین. تدوین: نگارندگان.

در مرحله بعد نتایج حاصل از تحلیل و بررسی پاسخ‌های مخاطبان منظر روزانه به مفاهیم مورد اشاره در مورد عکس‌ها با بهره‌گیری از روش شانون در قالب جدولی ارائه شده است که در ادامه جدول تحلیلی «ت ۱۱ تا ۱۳» به طور نمونه برای عکس شماره ۱ از «ت ۱۰» این روند را نشان می‌دهد.

در تبیین فراوانی حاصل از سنجش مؤلفه‌های مدل کاپلان، همان‌طور که از نتایج حاصل از جدول «ت ۱۳» برمی‌آید، مؤلفه‌های خوانایی، پیوستگی، پیچیدگی، و رمز و راز از دیدگاه مخاطبان منظر روزانه در مورد عکس شماره ۱ به ترتیب دارای بیشترین اهمیت هستند. این روش برای هشت عکس دیگر نیز تکرار شد که نتایج حاصل به شرح «ت ۱۴» است.

در بررسی مؤلفه‌های چهارگانه کاپلان مشخص شد که مؤلفه خوانایی در بیشتر مناظر انتخابی در اولویت اول است. دلیل این موضوع آشنایی دانشجویان با محدوده منظر روزانه بود که آن را در این بررسی خوانا نشان می‌داد. مؤلفه رمز و راز نیز در دید مخاطبان از پایین‌ترین درجه توجه برخوردار بوده است. این امر می‌تواند ناشی از عدم درگیری فیزیکی افراد با منظر روزانه و طی این مسیر با وسایل نقلیه باشد. از طرفی، مناظری که در مرحله نخست انتخاب شدند، بیشتر عوامل مصنوع و انسانی بودند و به عوامل طبیعی چون کوه، منظر شهر، و... کمتر توجه شده بود. می‌توان چنین گفت که مکان‌هایی بیشتر مورد توجه مخاطبان آزمون بوده‌اند که فاقد ارزش‌های خاص معماری و منظر هستند. درواقع وابستگی و هویت مکانی در منظر روزانه برای گروه مخاطبان ناشی از اتفاقات و خاطرات تجربه‌شده در محل و نیز مناظر منتخب آنها در محدوده مسیر است؛ مناظری که نمی‌توانند از آن‌ها چشم‌پوشی کنند.

۴. نتیجه‌گیری

عرصه‌ها و فضاهای شهری، به‌ویژه فضاهای باز و مناظری که هرروزه در جریان فعالیت‌های زندگی در معرض ادراک و

تبدیل شده‌اند. منظر روزانه تاکتیک‌های مکانی را فراهم می‌کند تا مردم فرصت‌های مختلف قرار گرفتن خود در زمینه را درک کنند. این امر نشان می‌دهد که چگونه درک منظر روزانه باعث بینش ارزشمندی برای ایجاد مکان‌های بهتر برای مردم می‌شود. به همین دلیل است که بررسی منظر زندگی روزمره برای درک این تعامل بین مکان و مردم اهمیت زیادی یافته است.

یافته‌ها معلوم کرد که منظر شهری پذیرای زندگی روزمره با همهٔ درگیری‌ها، تنش‌ها، و شکاف‌ها است و پتانسیل‌های جدیدی را در منظر نمایان می‌کند. این پتانسیل‌ها مردم را قادر به تعامل معنی‌داری با اطراف خود می‌کنند که در نهایت درک و ارتباط با مناظر بزرگ‌تر در شهر را تسهیل می‌کند. بدین ترتیب، هرچه معانی نهفته در منظر روزانه بیشتر باشد، جذابیت و میزان اثرگذاری بیشتری دارد. به طور مثال، موردپژوهی و نتایج این پژوهش نشان داد که برای دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی مؤلفه‌های کیفی خوانایی با ضریب اهمیت ۰/۲۵۱۰۵، پیچیدگی با ضریب اهمیت ۰/۲۵۰۲۵، پیوستگی با ضریب اهمیت ۰/۲۵۰۲۰، و رمز و راز با ضریب اهمیت ۰/۲۴۸۴۸ به ترتیب دارای بیشترین اهمیت در میان افراد موردآزمون و ادراک منظر روزانه هستند. در این زمینه، عواملی مانند کوه جزء عوامل خوانا در این مسیر بودند. همچنین، حضور عواملی مانند پارک، میدان، مسجد، و ساختمان منظومهٔ خرد در خوانایی مسیر تأثیر بسزایی داشت. به‌علاوه، ویژگی پیوستگی در عناصری چون ایستگاه اتوبوس، منظومهٔ خرد، و تپه‌ها دیده شد. از سویی، عواملی چون منظر ساخت‌وساز در طول مسیر، پارک و منظومهٔ خرد با جذب مخاطب به عناصر بصری متعدد خود پیچیدگی را به همراه داشتند. عناصری مانند تپه‌های حاشیهٔ مسیر و مسجد نیز توانستند رمز و راز را در ذهن مخاطب ایجاد کنند. بر این اساس، در طراحی فضاهای شهری پیرامون محدودهٔ مورد مطالعه می‌توان، برای ارتقای کیفیت منظر روزانه، اولویت‌بندی این مؤلفه‌های طراحی را در نظر گرفت. به کمک معماری منظر

و با آگاهی از نیازهای موجود مردم، مجموعه شرایط محیطی و منظر شهری، و اولویت‌های افراد و مخاطبان در میان مؤلفه‌های کیفی منظر روزانه می‌توان نقش مؤثر و کارآمدی در ارتقای کیفیت زندگی روزمرهٔ شهری در محور موجود ایفا کرد.

بنا بر این، از آنجا که مناظر و مرایا با تکیه بر مفاهیم استعاری خود می‌توانند میان احساس و ذهن مردم رابطه ایجاد کنند، منظر روزانه، به مثابهٔ زمینهٔ انجام بسیاری از فعالیت‌های انسانی و به‌ویژه به‌کارگیری قوای ادراکی و حواس انسان در گذران امور زندگی شهری، می‌تواند به منزلهٔ محیط و بستر خیال‌پردازی و کشف و شهود هم باشد. زمینه و بستری که از طریق آن مردم می‌توانند معانی شخصی و بسیاری از ایده‌ها و ارزش‌های نهفته در ذهن خود را شناسایی و کشف کنند. آگاهیم که، به دلیل به‌کارگیری حواس و به‌ویژه خوانایی و تکرار آن در مدت زمان طولانی، که به طور مثال در اینجا می‌تواند در قالب منظر روزانه باشد، روند نسبت دادن معنا، ارزیابی‌ها، و ترجیحات به زمینه‌ها، عناصر، و الگوهای مؤثر بر ادراک تقویت می‌شود. بدین ترتیب، موضوع منظر روزانه و جنبه‌های مهم آن می‌تواند سازمان‌دهی و مدیریت و در نتیجهٔ آن نیز چگونگی کیفیت منظر شهری تبیین شود. بنا بر این برخی از ویژگی‌ها و ارزش‌های مهم منظر روزانه به شرح زیر است:

- روزانه و به طور مکرر تجربه و ادراک شود،
- محدودهٔ معین و در عین حال مقیاس متفاوت فضایی، محیطی، و اجتماعی دارد (کلان تا خرد)،
- ضمن داشتن هویت جغرافیایی، دربرگیرندهٔ اصل تنوع در ساختار خود (شامل عناصر طبیعی و مصنوع) است،
- جنبه‌های زمانی مربوط به ادراک آن، اعم از تغییرات فصول، ساعات شبانه‌روز، مدت زمان استفاده، و کیفیت ادراک آن (در حرکت یا سکون) معلوم است،
- به‌علاوه، در مورد ادراک منظر روزانه شرایط جسمی، روحی، و روانی مخاطبین نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

منابع و مآخذ

- آذر، عادل. «بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوا»، در *فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ش ۳۷ و ۳۸ (بهار و تابستان ۱۳۸۰)، ص ۱-۱۸.
- بل، سایمون. *منظر: الگو، ادراک، و فرایند*، ترجمه بهناز امین‌زاده، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- پاکزاد، جهان‌شاه. *فرهنگ کارشناسی و فرهنگ مردم: مقالاتی در باب طراحی شهری*، تهران: انتشارات شهیدی، ۱۳۸۶.
- تقوایی، سیدحسین. «دیدگاه طراحی منظر بوم‌گرا در مناطق گرم و خشک ایران: الگوی واحه»، در *صفحه*، ش ۴۵ (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، ص ۶-۲۳.
- _____. *معماری منظر: درآمدی بر تعریف‌ها و مبانی نظری*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.
- طیبیان، منوچهر. *دستورالعمل‌های ارزیابی منظر و آثار بصری*، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- محمودی‌نژاد، هادی و علی‌رضا صادقی. *طراحی شهری از روان‌شناسی محیطی تا رفاه اجتماعی*، تهران: انتشارات هله، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- Bille, P. "When Nature and Landscape Substitute the Urban Square", in ENHR International Conference, 2007.
- Buchecker, M. & M. Hunziker & F. Kienast. "Participatory Landscape Development: Overcoming Social Barriers to Public Involvement", in *Landscape and Urban Planning*, 64 (1) (2003), pp. 29-46.
- Canter, D.V. & K.H. Craik. "Environmental Psychology", in *Journal of Environmental Psychology*, 1 (1) (1981), pp. 1-11.
- Christenson, M. "Google Street View and the Transition from the Unknown to the Known", in *Proceedings of the 2009 ACSA Southwest Regional Conference*, Albuquerque, New Mexico, 2010, pp. 96-100.
- Gawryszewska, B.J. "Language of Borders in the Structure of Everyday Landscape", in *Commission of Cultural Landscape of Polish Geographical Society*, Sosnowiec, Warsaw University of Life Sciences, 2008.
- Hofstad, H. "Handling Tensions in the 'Everyday Landscape': Moving beyond the Development-Conservation Conflict?", in *Environment and Planning C: Government and Policy*, 33 (2) (2015), pp. 358-375.
- Kaplan, R. & S. Kaplan & R. Ryan. *With People in Mind: Design and Management of Everyday Nature*, Island Press, 1998.
- Kaplan, A. & T. Taşkın & A. Önenc. "Assessing the Visual Quality of Rural and Urban-Fringed Landscapes Surrounding Livestock Farms", in *Biosystems Engineering*, 95 (3) (2006), pp. 437-448.
- Rajendran, L.P. "Everyday Landscape and Meaning in Urban Living", in *Agathos*, 4 (2) (2013), p. 120.
- Ringuest, J.L. *Multiobjective Optimization: Behavioral and Computational Considerations*, Springer Science & Business Media, 2012.
- Simmel, G. *Das Individuum und die Freiheit*, Fischer Taschenbuch Verlag, 1993.
- Soini, K. & E. Pouta & M. Salmiovirta & M. Uusitalo & T. Kivinen. "Local Residents' Perceptions of Energy Landscape: the Case of Transmission Lines", in *Land Use Policy*, 28 (1) (2011), pp. 294-305.
- Taghvaei, S.H. & S.A. Hashemi Zadeegan. "Relating to Pedestrian Route and Expressway (Case Study: Resalat Expressway; The Part Joining Bayhaghi and Seyedkhandan Terminal)", in *Bagh-e Nazar*, 13 (39) (2016), pp. 5-26.

Archive of SID

سنجش غنای حسی فضاهای شهری:

معرفی یک چارچوب تحلیلی^۱

زهرا صداقت^۲

کلیدواژگان: حواس، کیفیت غنای حسی، منظر حسی، تکنیک حس‌سنجی، طراحی شهری.

چکیده

تجربه انسان از محیط شهری از طریق کانال‌های حسی متعدد بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، و لمسی، صورت می‌گیرد. وسعت و عمق تجارب حاصله تحت عنوان مفهوم کلی «غنای حسی» قابل بررسی است. با وجود این تاکنون به شهرها بیشتر از جنبه حس بینایی توجه شده و به سایر حواس توجه کافی نشده است و به این ترتیب تجربه غنای حسی در شهرها کم و ضعیف است. گرچه تجربه حس بینایی نیز، با وجود جلب توجه بیشتر نسبت به سایر حواس، همچنان در شهرها ضعف‌های بسیاری دارد. برای حل این معضل در وهله نخست باید بتوان محرک‌های حسی گوناگون را در شهر ثبت کرد تا در گام بعدی به رفع کاستی‌های مربوط به هر کدام از آن‌ها پرداخت. به این ترتیب هدف از پژوهش پیش رو علاوه بر بیان اهمیت دریافت‌های حسی متنوع در فضاهای شهری، معرفی روشی مناسب برای برداشت سطح کیفی غنای حسی در فضاها است. از این رو، پس از معرفی پیشینه مطالعات انجام‌شده در این زمینه و معرفی روش‌هایی که در سطح جهان برای برداشت و ثبت حواس

در شهرها صورت گرفته است، به منظور کاربردی کردن آن در فضاهای شهری، خیابان گلشهر در شهر کرج نمونه موردی این پژوهش شد و پس از آن روش پیشنهادی محقق برای برداشت سطح کیفی غنای حسی تحت عنوان «روش ترکیبی حس‌سنجی محیطی» معرفی شده است. کاربرد این روش برای برداشت سطح کیفی غنای حسی در شهرهای ایران منجر به حساسیت هرچه بیشتر طراحان شهری نسبت به همه کیفیت‌های حسی محیط می‌گردد و از این طریق، بعدی از منظر شهری، که اغلب نادیده گرفته می‌شود، بهبود خواهد یافت.

مقدمه

تنوع تجربیات حسی کیفیتی را برای فضاهای شهری ایجاد می‌کند که با عنوان غنای حسی شناخته می‌شود. افراد شهر را از طریق کانال‌های حسی بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، و لامسه دریافت می‌کنند؛ اما آنچه امروزه در شهرها شاهد آن هستیم غالباً متکی بر حس بینایی و تا حدی شنوایی است و سایر حواس مورد بی‌مهری هستند. گرچه حس بینایی نیز با وجود برخورداری از توجه بیشتر نسبت

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده است در رشته طراحی شهری تحت عنوان راهنمای ارتقای غنای حسی فضای شهری به کمک طراحی شهری، که با راهنمایی دکتر کوروش گلکار در دی‌ماه ۱۳۹۳ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است.

۲. کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی؛
z.sedaghat1@yahoo.com

پرسش‌های تحقیق

۱. مسائل مربوط به محرک‌های حسی در فضاهای شهری ایران چیست؟
۲. روش‌های سنجش کیفیت غنای حسی (محرک‌های حسی) فضای شهری چیستند؟
۳. آیا می‌توان چارچوب تحلیلی برای سنجش کیفیت غنای حسی فضاهای شهری ایران معرفی کرد؟

به سایر حواس همچنان با ضعف‌های بسیاری در شهرها روبه‌رو است. در واقع، با وقوع انقلاب صنعتی، محرک‌های حسی هویتمند، خاطره‌انگیز، منحصر به فرد، و در عین حال هماهنگ با یکدیگر جای خود را به سروصدا، بافت، بو، و ظاهر نامطلوب ماشین‌آلات صنعتی داده‌اند. ایران نیز دستخوش این محرک‌های جهانی نامطلوب است. به این ترتیب که آن دسته از محرک‌های حسی که بیانگر هویت و فرهنگ مردم بودند، همچون صدای اذان، صدای گام‌ها و گفتگوی مردم، بوی نان و ادویه، مصالح بومی، و عناصر طبیعی به تدریج جای خود را به صدای ماشین‌آلات، بوی دود، و مصالح استانداردشده بی‌هویت دادند. در این میان حلقه مفقوده میان فضا و غنای حسی روشی است که با آن بتوان محرک‌های حسی را ثبت و بررسی کرد. فقدان روشی کارآمد برای برداشت محرک‌های حسی فضا منجر به نادیده گرفتن روزافزون آن‌ها در طراحی شهرها و در نتیجه کاهش کیفیت غنای حسی خواهد شد. این روندی است که علاوه بر اینکه به عدم تعامل حسی افراد با فضا می‌انجامد، انزوای گروه‌های کم‌توان حسی و ادراکی همچون نابینایان، ناشنویان، و معلولین را در پی خواهد داشت.

از این رو امروزه به محرک‌های حسی غیر بصری بیش از پیش توجه شده است. در ایران نیز در زمینه محرک‌های حسی غیر بصری پژوهش‌هایی شده است.^۳ در ایران در مطالعات از روش «حس‌گردی»^۴ استفاده شده است، که شناخته‌شده‌ترین روش برداشت منظر حسی است؛ اما این روش از بعضی جهات پاسخ‌گوی ثبت و جمع‌بندی دقیق محرک‌های حسی نیست. از این رو هدف از پژوهش حاضر معرفی چارچوبی تحلیلی است که با استفاده از آن بتوان سطح کیفی غنای حسی فضاهای شهری را با دقت بیشتری ثبت و تحلیل کرد.

در این پژوهش ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای ابعاد مختلف کیفیت غنای حسی در فضاهای شهری، عوامل ایجاد آن‌ها، و نیز روش‌های برداشت محرک‌های حسی محیط معرفی شده است. سپس با ترکیب این دو روش و استفاده از ابعاد و عوامل به‌دست‌آمده، چارچوبی تحلیلی تهیه شده و سپس با استفاده از این چارچوب در یک نمونه موردی، قابلیت‌ها و محدودیت‌های آن شناسایی شده است. در پایان چارچوب تحلیلی مورد مطالعه ارتقا یافته و برای به‌کارگیری در طراحی فضاهای شهری مناسب‌سازی شده است.

۳. نک: افسانه لطفی و بهادر زمانی، «نقش مؤلفه‌های منظر حسی در کیفیت محورهای مجهز محلی، مطالعه موردی: محور علیقلی آقا در اصفهان»؛ صدیقه لطفی، گلنوش حریری و مجتبی شهبابی شه‌میری، «بررسی نقش توقعات ادراکی بویایی و شنوایی در طراحی و برنامه‌ریزی شهری، نمونه موردی: پابل».

4. Sensewalking

۱. روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش پیش رو از نوع کیفی است. به این ترتیب، برای به دست آوردن ابعاد گوناگون کیفیت غنای حسی و عوامل ایجاد آن‌ها در فضاهای شهری و نیز روش‌های شناخته‌شده برای برداشت منظر حسی محیط، پیشینه موضوع به روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای بررسی شده است. سپس با تحلیل اطلاعات حاصل از پیشینه موضوع، چارچوبی تحلیلی برای سنجش غنای حسی محیط تهیه شده و با مطالعه میدانی بر روی یک نمونه موردی سنجیده شده است. در مطالعات میدانی روش‌های مشاهده، حس‌گردی، و یادداشت‌برداری حسی برای برداشت منظر حسی هفت نقطه از یک فضای شهری استفاده شده است. در پایان با شناسایی قابلیت‌ها و محدودیت‌های روش‌های برداشت مورد بررسی، چارچوب تحلیلی ارتقا یافته و در قالب گام‌های فرایند برداشت منظر حسی برای به‌کارگیری در طراحی شهری پیشنهاد شده است.

۲. مرور متون نظری

۲.۱. غنای حسی در دیدگاه صاحب‌نظران

در طول تاریخ همواره صاحب‌نظران و اندیشمندان بسیاری بر لزوم توجه به تجارب حسی در فضاهای شهری تأکید کرده و تسلط بیش از حد حس بینایی را به چالش کشیده‌اند. یان بنتلی در کتاب *محیط‌های پاسخ‌ده* نقش حواس در فضاهای شهری را با عنوان کیفیت غنای حسی معرفی کرده است و پرداختن به حواس غیر بصری را عاملی مهم در طراحی شهری می‌داند.^۵ رد تسلط بینایی و در نظر گرفتن کلیه حواس به صورت واحد یکی از اصول مورد توجه پدیدارشناسانی همچون موریس مرلوپونتی^۶ (۱۹۰۸ - ۱۹۶۱) بوده است.^۷ یوهانی پالاسما^۸ (۱۹۳۶) نیز، تحت تأثیر نگاه فلسفی مرلوپونتی، با تأکید بر پیوندی که میان فرد و فضا به واسطه کلیه محرک‌های حسی برقرار می‌شود، وابستگی صرف بر بینایی را برای ادراک جهان مردود دانسته است.^۹ مونیکا

دگان در توصیف لایه‌بندی، هم‌پوشانی، و حضور هم‌زمان تجارب حسی متعدد در فضای شهری از عبارت «منظر حسی»^{۱۰} استفاده می‌کند و آن را برگرفته از عبارت «منظر بویایی»^{۱۱} که نخستین بار پورتوس به آن اشاره کرد، می‌داند.^{۱۲} پاول روداوی نیز که از متخصصین جغرافیای انسانی است با معرفی مفهوم «جغرافیای حسی»^{۱۳}، از ساختار بدن انسان به عنوان یک سیستم موقعیت‌یابی عمومی یاد کرده که متکی بر چهار گروه حسی اصلی شامل: بینایی، شنوایی، بویایی و لامسه است.^{۱۴} به این ترتیب به موضوع ادراکات حسی در محیط از دیدگاه‌های گوناگون توجه شده است؛ اما آنچه حائز اهمیت است لزوم توجه یکپارچه به همه حواس، اعم از بصری و غیر بصری، در محیط است، که با عنوان کیفیت غنای حسی شناخته می‌شود و به منظور معرفی یک دسته‌بندی کلی از جنبه‌های گوناگون غنای حسی از دسته‌بندی عام و رایج حواس، شامل پنج حس بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، و لامسه، که نخستین بار از سوی ارسطو (۳۸۴ - ۳۲۲ ق.م) مطرح شده است، استفاده می‌شود.

۲.۲. غنای حس بینایی

«از میان حواس، حس بینایی، بیشترین ارتباط ما با محیط را به عهده دارد»^{۱۵}.

مطلوبیت ناشی از حس بینایی هنگامی حاصل می‌شود که ما از فرم‌ها، رنگ‌ها، و بافت‌های متفاوت محیط به واسطه چشم بهره‌مند می‌شویم.^{۱۶}

بنتلی غنای حسی بینایی را وابسته به حضور تضادهای بصری می‌داند و معتقد است که با افزایش تعداد عناصر شاخص یک سطح تا حدی معین، غنای حسی بینایی آن افزایش می‌یابد.^{۱۷} با این حال تضاد عناصر بصری نباید به حدی باشد که منجر به ایجاد اغتشاش شود و لازم است در ایجاد غنای حسی بینایی فضاهای شهری بسیار محتاطانه عمل شود.

۵. نک: یان بنتلی و دیگران، *محیط‌های پاسخ‌ده*: کتابی راهنما برای طراحان.

6. Maurice Merleau-Ponty

۷. نک: موریس مرلوپونتی، *جهان ادراک*.

8. Juhani Pallasma

۹. نک: یوهانی پالاسما، *چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی*.

10. Sensescape

11. Smellscape

۱۲. نک:

Monica Montserrat Degen, *Sensing Cities: Regenerating Public Life in Barcelona and Manchester*.

13. Sensuous Geographies

۱۴. نک:

Paul Rodaway, *Sensuous Geographies*.

۱۵. جهان‌شاه پاکزاد و حمیده بزرگ، *الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان*، ص ۶۵.

16. Degen, *ibid*, p. 47.

۱۷. بنتلی و دیگران، همان، ص ۲۶۹-۲۷۰.

۲.۳. غنای حس شنوایی

«حس شنوایی تجربه و درک فضا را پی‌ریزی و بیان می‌کند».^{۱۸} صدا به فضا بویایی و تحرک می‌بخشد. با این حال

میزان کنترل ما روی آنچه می‌شنویم محدود است و فقط زمانی قادر به تمایز بین صداها خواهیم بود که روی یک صدای خاص بیش از سایر صداها تمرکز نماییم.^{۱۹}

صداها با فرکانس بسیار بالا با پوشش دادن سایر اصوات محیط از غنای حسی شنوایی محیط می‌کاهند. از سوئی «صداها آرام‌تر نیز در تجربه ما محو می‌شوند و از این رو بخشی از محیط را پنهان می‌کنند».^{۲۰}

یکی از تأثیرات مهم صوت ایجاد هویت است. هر شهری صدای ویژه خود را دارد و ویژگی خود را با صدای خود اعلام می‌کند. همچنین هر فضایی به‌آسانی به واسطه صدای ویژه‌اش قابل تمیز است.^{۲۱}

به گونه‌ای که صدای بازار و راسته تجاری از صدای یک محله مسکونی متفاوت است.

۲.۴. غنای حس بویایی

«بوها نیز همانند اصوات هنگامی که توسط چیزی ایجاد می‌شوند، از آن می‌گریزند و گرفتار یک فرم محصور نیستند».^{۲۲}

ادراک بو در داخل و یا مجاور یک فضا و با شدت‌های مختلف که برای مدتی دوام داشته و سپس محو می‌شود و تفاوت یک بو با بوی دیگر و هم‌پیوندی بوها با اشیاء ارگانیزم‌ها، موقعیت‌ها، و احساسات خاص همگی به حس مکان و کاراکتر مکان کمک می‌کنند.^{۲۳}

و کیفیت غنای حس بویایی را در محیط ارتقا می‌دهند.

حس بویایی در برانگیختن خاطرات خاص مکان‌ها بسیار مهم است و این امر عمدتاً ناشی از اشیای معین و بوی مشخص آن‌ها

است که به نظر می‌رسد در مکان‌های خاصی قرار دارند.^{۲۴} از این رو می‌توان غنای حس بویایی را عاملی مهم در ایجاد حس تعلق یک مکان دانست.

۲.۵. غنای حس چشایی

مواد بودار می‌توانند علاوه بر گیرنده‌های بویایی، گیرنده‌های چشایی را نیز تحریک کنند و بدین جهت احساس چشایی، یک احساس مرکب است.^{۲۵}

در واقع محرک‌های حس بویایی چنانچه مربوط به بوی غذا و خوراکی‌ها باشند عاملی در جهت ارتقای کیفیت غنای حس چشایی محیط هستند. هر شهر به دلیل چاشنی‌ها و غذاهای خاص خود منظر چشایی منحصر به فردی دارد و از این رو «منظر چشایی بیشترین سیاست‌های حسی را از لحاظ فرهنگی آشکار می‌کند».^{۲۶} به این ترتیب حضور کافه‌ها و رستوران‌ها، به‌ویژه هنگامی که دارای سرریز فعالیتی باشند، موجب غنای حس چشایی در فضا می‌شود.

۲.۶. غنای حس لامسه

غنای حس لامسه در محیط به دو طریق صورت می‌گیرد: پوست و چشم. لمس با پوست شامل لمس مستقیم یک شیء و تماس بدن با آن است. اما لمس با چشم‌ها، لامسه‌ای غیر مستقیم بوده و شامل تحریک حس لامسه با نگاه کردن به شیء است. چنانچه با نگاه کردن به دیواری کاهگلی حس لامسه بیش از حس بینایی تحریک می‌شود. «لامسه در واقع مجاورت بدن با جهان و مکاشفه دقیق از اندازه، شکل، وزن، بافت و دمای خصایص یک محیط است».^{۲۷} در دیدگاه صاحب‌نظران، عوامل مختلفی برای ایجاد هر یک از ابعاد کیفیت غنای حسی مطرح شده‌اند. این عوامل در قالب یک دسته‌بندی کلی در «ت ۱» ارائه شده است.

۱۸. پالاسما، همان، ص ۶۳
۱۹. بنتلی و دیگران، همان، ص ۲۶۷

20. Degen, ibid, p. 44.

۲۱. محمدرضا شیرازی، معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف بوهانی پالاسما، ص ۳۹.

22. D. Howes, "Olfaction and Transition: An Essay on the Ritual Uses of Smell", p. 405.

23. Rodaway, ibid, p. 68.

24. Lih-Rong Chiou, "The Representation of Taiwan's Aboriginal Architectural Heritage: Visual and Non-visual Presentation in Cultural Villages", p. 111.

۲۵. محمود ابروانی و محمدکریم خدایانه، روان‌شناسی احساس و ادراک، ص ۱۱۸.

26. Degen, ibid, p. 46.

27. J. Meluso, EyeTalk:

Bridging from Communication to Connection, p. 104.